

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته



به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

دیانت؛

درک صحیح امامت

۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۶

۲۱ ربیع الثانی ۱۴۲۸



تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين
ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

« قال الله الحكيم في محكم كتابه أعوذ بالله من الشيطان الرجيم »
﴿ وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ ﴾^(۱) .
و از آنان امامانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می کردند، چون شکیبایی
نمودند و به آیات ما یقین داشتند .

چکیده سخن :

در سلسله مباحثی که تا به حال ارائه نمودیم به این نتیجه دست یافتیم که، خداوند متعال از میان انسانها، منتخبین و برگزیدگانی دارد که تصدی و تولی بسیاری از شئون و امور آفرینش را به عهده آنان گذارده است . این امر با توجه به آیات قرآن که ذکر نمودیم بدیهی و یقینی می باشد و به هیچ وجه دور از ذهن نیست . چون خداوند بسیاری از وظایف خلقت را به عهده مأمورینی خاص قرار داده است و هر گروه از فرشتگان مأموریت ویژه ای در امر خلقت و جریانه های طبیعی عالم آفرینش دارند . به عنوان نمونه برخی از فرشتگان مسئول تدبیر و اداره جهان آفرینش هستند: ﴿ فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا ﴾^(۲) و بعضی دیگر وظیفه تقسیم

۱- سوره سجده، آیه ۲۴ .

۲- سوره نازعات، آیه ۵ .

رزق و روزی مخلوقات را به عهده دارند: ﴿فَالْمُقْسِمَاتِ أَمْرًا﴾^(۱) و عده‌ای دیگر در مورد بارش باران و برف در مناطق مختلف تصمیم می‌گیرند، این که در کجا باران بیارد و یا نه، کجا رودی جاری گردد و کدام سرزمین در خشکسالی بماند و ...

خدا همیشه حاضر و ناظر:

خداوند متعال وظایفی را به برخی از افراد بشر یا ملک واگذار و تفویض نموده است و در این واگذاری هیچ مانع و اشکالی وجود ندارد، زیرا این مسؤلیت‌ها از ناحیه ذات اقدس ربوبی به آنان تفویض شده است.

این که خداوند متعال برخی از امور خلقت را به عهده مأمورین خود قرار داده است به معنای تعطیلی الوهیت خداوند نیست، همچنان که یهودیان می‌اندیشیدند که خداوند متعال در طول هفته به امور خلقت می‌پردازد و در روز شنبه استراحت می‌نماید.

﴿وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلَعْنُوا بِمَا قَالُوا﴾^(۲).

و یهودیان مدعی شدند که دست خداوند [از آفرینش یا بخشش] بسته است، دستان خودشان بسته باد، و به خاطر این سخن که گفتند لعنت بر آنان باد.

خداوند متعال همیشه حاضر و ناظر جریان امور خلقت و آفرینش می‌باشد.

زیرا ذات اقدس ربوبی:

۱- سوره ذاریات، آیه ۴.

۲- سوره مائده، آیه ۶۴.

« لا یشغله شیء عن شیء »^(۱).

هیچ کاری او را از کار دیگر باز نمی‌دارد.

﴿ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ ﴾^(۲).

هیچ خواب سبک و سنگینی او را فراموشی نمی‌گیرد.

خداوندی که در آن واحد به افعال مختلف و متفاوتی می‌پردازد و از هیچ چیز غافل نیست و او را خواب و چرتی نمی‌باشد، برخی از امور خلقت را به دیگران تفویض نموده است زیرا چنانکه در جلسات قبل بیان شد این تفویض و واگذاری لازمه و اقتضاء الوهیت و خالقیت ذات اقدس ربوبی می‌باشد.

ضرورت تکیه به منبع وحی:

ما باید در تمام گفتارها و مباحث فکری و عقیدتی از آیات قرآن کریم و روایات نورانی اهل بیت وحی علیهم‌السلام استفاده نماییم و از این علوم و معارف الهیه که اسلام برای ما به ارمغان آورده است غفلت نکنیم.

روزی خبیث دومی خدمت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمد و گفت:

« إِنَّا نَسْمَعُ أَحَادِيثَ مِنَ الْيَهُودِ تَعْجِبُنَا، أَفْتَرَى نَكْتَبُ بَعْضَهَا؟ »؛

سخنانی از یهودیان می‌شنویم که زیبا است، آیا اجازه داریم که آنها را بنویسیم؟

« فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم أَمْتَهُوْكُمْ أَنْتُمْ كَمَا تَهْوَكُ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى »؛

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: آیا می‌خواهید همانند یهودیان و مسیحیان در گمراهی بمانید.

۱- توحید، صدوق رحمته‌الله‌علیه صفحه ۸۷.

۲- سوره بقره، آیه ۲۵۵.

« لقد جئتمكم (بها) بیضاء نقیة ولو كان موسى حیاً ما وسعه إلا اتباعی »^(۱).
 من دینی روشن و پاکیزه برای شما آوردم اگر موسی [علیه السلام] زنده بود
 چاره‌ای بجز پیروی از من نداشت.

« بیضاء نقیة ». یعنی روشن و به دور از هرگونه ابهام و پاکیزه و سالم.
 رسول الله ﷺ خزان و گنجینه‌های علوم الهی را گسترده است ولی این
 جاهل می‌خواهد سخنان یهودیان را بنویسد و از آن استفاده نماید!

اقرار به نادانی:

کسی که قدر این معارف روشن و پاکیزه را نداند و بخواهد از سخنان
 بی ارزش و گزافه یهودیان استفاده نماید، نادان و جاهلی بیش نیست و
 خوشبختانه، به این جهالت خودش نیز معترف است.

روزی فردی، مسأله‌ای را از دومی می‌پرسد، اما وی پاسخی نادرست
 می‌دهد. خانمی از پشت پرده جریان را می‌شنود و می‌گوید: پاسخ نادرست داده‌ای
 پیامبر ﷺ به گونه‌ای دیگر، حکم مسأله را بیان کرده بودند، در این هنگام
 دومی گفت:

« کلّ الناس أفتة من عمر حتّی ربّات الحجال »^(۲).

همه، حتی زنان پرده نشین از عمر داناترند.

۱- از منابع شیعه بنگرید به الدعوات، قطب الدین راوندی رحمته الله علیه صفحه ۱۷۰ - و از منابع اهل

تسنن بنگرید به: سیر أعلام النبلاء، الذهبی، جلد ۲ صفحه ۴۱۹.

۲- از منابع شیعه بنگرید به: بحار الانوار، مجلسی رحمته الله علیه جلد ۳۰ صفحه ۶۵۸ - و از منابع اهل

تسنن بنگرید به: شرح نهج البلاغة، ابن ابی الحدید، جلد ۱ صفحه ۱۸۲ (با اندکی
 تفاوت).

این خبیث که از پیامبر ﷺ اجازه می‌خواهد که سخنان یهودیان را بنویسد و از آن استفاده کند، به محض اینکه به خلافت رسید، سیاست ابو بکر (علیه ما علیه) در جلوگیری از نوشتن سنت و احادیث رسول خدا ﷺ را با شدت ادامه داد^(۱). خدا می‌داند در طول این سالهای طولانی چه ذخایر و گنجینه‌های گرانبهایی از رسول الله ﷺ در دست صحابه ماند و منتشر نشد و در سینه‌ها حبس و به خاک سپرده شد.

آنان بر اساس برنامه‌ها و هدفهای خود حرکت می‌کردند، و بنا داشتند که سخنان یهودیان و مسیحیان نوشته شود و از طرف دیگر سخنان رسول الله ﷺ نوشته نشود و فراموش گردد.

مصیبتی که امروزه جهان اسلام با آن روبرو می‌باشد، عبارت است از دور ماندن از خزائن و گنجینه‌های وحی و کلمات اهل بیت پیامبر ﷺ. ریشه این دوری از وحی در افعال افراد خبیثی است که در صدر اسلام می‌زیستند.

معرفت مفید، فقط نزد اهل بیت ﷺ :

ما باید از منابع روایی خودمان کمال استفاده را بنماییم و مطمئن باشیم، غیر از کلمات اهل بیت وحی ﷺ و معارف آنان در هیچ جای جهان معرفتی سالم و پاکیزه بدست نخواهید آورد.

در این رابطه امام باقر ﷺ می‌فرمایند:

« شرقاً و غرباً فلا تجدان علماً صحیحاً إلا شیئاً خرج من عندنا اهل البیت »^(۲).

۱- برای اطلاع بیشتر بنگرید به: صحیح مسلم، جلد ۶ صفحه ۱۷۸ و جلد ۳ صفحه ۳۸-سنن ابن ماجه، جلد ۱ صفحه ۱۲.
۲- کافی، جلد ۱ صفحه ۳۹۹.

اگر به شرق و غرب عالم بروید به علمی صحیح جز آنچه از ما اهل بیت [علیهم السلام] صادر شده است، دست نخواهید یافت.

اگر برای کسب معرفت جایی، جز خانه اهل بیت عصمت و طهارت [علیهم السلام] برویم، علمی مفید و نافع نخواهیم یافت و سرانجامی جز ضلالت و گمراهی نخواهیم داشت.

نکته بسیار مهمی که نباید از آن غافل گردید، این است که منابع روایی ما مستند و بسیار روشن می‌باشد و با یک سلسله وسند خاصی به معصوم [علیهم السلام] می‌رسد. سعی ما بر آن است که در این سلسله گفتارها از احادیث و روایات منابع دست اول و نزدیک به عصر معصومین [علیهم السلام] استفاده نماییم چون کتاب گران سنگ کافی از مرحوم کلینی رحمته الله علیه و احادیثی که سید ابوالرضا راوندی و قطب راوندی رحمته الله علیه (که هر دو از مفاخر دار المؤمنین کاشان محسوب می‌شوند) در کتابهایشان ذکر نموده‌اند.

جهان آفرینش در دستان ائمه اطهار [علیهم السلام]:

احادیث صحیح و مستند فراوانی در دست داریم که به صراحت بیان می‌نمایند، مجموعه حوادث و اتفاقات جهان خلقت در اختیار ائمه اطهار [علیهم السلام] می‌باشد. در این رابطه امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

« إِنَّ اللَّهَ خَلَقَنَا فَأَحْسَنَ خَلْقَنَا وَصَوَّرَنَا فَأَحْسَنَ صُورَنَا »؛

خداوند ما را نیکو آفرید و به زیبایی ترسیم نمود.

« وَجَعَلْنَا عَيْنَهُ فِي عِبَادِهِ وَلِسَانَهُ فِي خَلْقِهِ وَيَدَهُ الْمَسْبُوطَةَ عَلَى

عِبَادِهِ بِالرَّأْفَةِ وَالرَّحْمَةِ »؛

ما را بسان چشم خویش در میان بندگان قرار داد و ما زبان گویای او در

میان بندگان و دستان‌باز و گشاده خدا هستیم، که برای بندگان به رحمت و رأفت باز شده است.

« بنا أثمرت الأشجار وأينعت الأثمار وجرت الأنهار و بنا ينزل غيث السماء وينبت عشب الأرض »^(۱).

بوسیله ما درختان به بار می‌نشینند و میوه‌ها می‌رسند و رودها جاری می‌شوند و بوسیله ما آسمان می‌بارد و روئیدنیهای زمین می‌رویند. حضرات معصومین علیهم‌السلام اسباب و ابزار خداوند متعال هستند و امور جهان خلقت از ناحیه ذات اقدس ربوبی به این وجودات شریفه علیهم‌السلام واگذار شده است. جلالت و عظمت الهی چنین اقتضاء می‌نماید، که خداوند متعال مستقیماً در بسیاری از امور دخالت نکند و آن را به دیگران واگذار بنماید. همانگونه که ما برای انسانهای بزرگ و شریف، حرمت و حریمی قائل هستیم و مستقیماً با آنان ارتباط برقرار نمی‌نماییم و در صورت نیاز با نزدیکان ایشان تماس می‌گیریم. خداوندی که سلطنت مطلقه قاهره بر همه کون و هستی دارد، شأنی برتر و أجلّ از آن دارد که هر پست و دنیّ با او بدون واسطه و مستقیم سخن بگوید. طبق قاعده تقدّم و برتری شریف بر پست و اخسّ، ائمه اطهار علیهم‌السلام وسایط فیض الهی و نمایندگان خداوند در میان تمام مخلوقات می‌باشند. در این زمینه امام صادق علیه‌السلام بیان زیبایی دارند و می‌فرمایند:

« ثبت أن له سفراء يعبرون عنه إلى خلقه وعباده »؛

ثابت گردید خداوند نمایندگانی در میان مخلوقات دارد که او را به مخلوقات و بندگان معرفی می‌نمایند.

حضرات معصومین علیهم السلام، نمایندگان خداوند در میان مخلوقات هستند،

« فثبت الآمرون والناهون عن الحکیم العلیم فی خلقه »؛

ثابت گردید امر و نهی کنندگانی از طرف خداوند حکیم در میان مخلوقات وجود دارد.

نمایندگان خداوند، اوامر و نواهی الهی را نه تنها به انسانها بلکه به همه موجودات ابلاغ می نمایند.

رساندن فرمان الهی به انسانها، (ولایت تشریعی) نام دارد، و هنگامی که آنان دستورات خداوند را به آسمان و زمین، باران و باد، نباتات و جمادات می رسانند، از آن به (ولایت تکوینی) تعبیر می شود.

« غیر مشارکین للناس - علی مشارکتهم لهم فی الخلق والترکیب - فی

شیء من أحوالهم مؤیدین من عند الحکیم العلیم بالحکمة »^(۱).

جز در شکل و صورت ظاهری در هیچ چیز دیگر شبیه به مردم نیستند و با حکمت از طرف خداوند تأیید شده اند.

بر طبق این روایت صحیحه آنان گروه ممتاز و ویژه ای هستند که با مردم هیچ شباهتی ندارند و همواره تأیید الهی را به همراه خود دارند.

عقل ابزاری برای تحصیل سعادت اخروی:

برخی از مردم بوسیله نیرنگ، حقه بازی و عوام فریبی، قدرت و مکتبی بدست می آورند و فکر می کنند عاقل اند و از خرد بالایی بهره مند می باشند، در حالیکه آنان از عقل و خرد بهره ای نبرده اند و به حقه بازی و شیطنت، نام عقل

۱- کافی، جلد ۱ صفحه ۱۴۴.

نهاده‌اند، فردی از امام صادق علیه السلام می‌پرسد عقل چیست؟ امام علیه السلام در پاسخ می‌فرمایند:

« ما عبد به الرحمن واكتسب به الجنان »؛

بوسیله عقل خداوند عبادت [و شناخته] می‌شود و بهشت بدست می‌آید.

سپس سائل از امام علیه السلام پرسید، آنچه معاویه (علیه اللعنة) داشت چه بود؟ امام علیه السلام فرمودند:

« تلك النكراء! تلك الشيطنة وهي شبيهة بالعقل وليست بالعقل »^(۱).

[معاویه (علیه اللعنة) عقل نداشت] بلکه حقّه بازی و شیطنت داشت که به عقل شبیه است اما عقل نیست.

انسان عاقل، انسانی است که بتواند سعادت اخروی را تحصیل نماید و پیوند خود را با خالق مستحکم سازد، به کسی که بتواند از هر راهی قدرت و ثروت فراوان بیندوزد، عاقل نمی‌گویند.

پاسخ امیرالمؤمنین علیه السلام به معاویه (علیه اللعنة):

معاویه (لعنة الله عليه) خود را بسیار عاقل و زیرک می‌پنداشت - با بیان گذشته روشن گشت که وی هیچ بهره‌ای از عقل نبرده بود - و می‌خواست با شیطنت از راه نامه‌های خود امیرالمؤمنین علیه السلام را تحریک نماید و از پاسخ امام علیه السلام سوء استفاده کند.

امیرالمؤمنین علیه السلام در پاسخ به یکی از نامه‌های وی نکات مهمی را بیان

۱- کافي، جلد ۱ صفحه ۱۱.

می‌نمایند که می‌توان از آن به جایگاه و مقام ویژه ائمه علیهم‌السلام پی برد.

حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام این گونه پاسخ می‌دهند:

«أما بعد فقد أتاني كتابك تذكر فيه اصطفاء الله محمداً صلى الله عليه وسلم لدينه»؛

اما بعد نامه توبه من رسید، در آن نامه یاد آور شده‌ای که خدا، محمد صلى الله عليه وسلم را برای دین خویش برگزید.

«و تأييده إياه بمن أئده من أصحابه»؛

و او را با تأیید و تقویت یارانش تأیید فرمود.

«فلقد خبأ لنا الدهر منك عجباً»؛

روزگار از تو امر شگفت‌انگیزی را آشکار کرد و نشان داد.

«إذ طفتت تخبرنا ببلاء الله عندنا و نعمته علينا في نبينا»؛

زیرا تو در صدد بر آمدی ما را از آزمایش خداوندی و نعمتی که خداوند با بعثت پیامبر صلى الله عليه وسلم [ما به ما عنایت فرمود آگاه سازی.

«فكنت في ذلك كنا قل التمر إلى هجر أو داعي مسدده إلى النضال»؛

تو در این [توصیه و موعظه]! مانند کسی که خرما را به هجر می‌برد یا معلم تیراندازیش را به مسابقه دعوت می‌کند، هستی.

(هَجْر) شهری در بحرین است که خرماي خوب و فراوانی دارد، در زبان

فارسی یعنی زیره به کرمان بردن!

«وزعمت أن أفضل الناس في الإسلام فلان وفلان»؛

و گمان کردی برترین مردم در اسلام، فلانی و فلانی است.

«فذكرت أمراً إن تمّ اعتزلك كلّه وإن نقص لم تلحقك تلمته»؛

و این سخن که می‌گویی اگر از هر جهت درست باشد، تو را چه بهره از آن است؟ و اگر نادرست عیب آن دامن گیرت نگردد.

«وما أنت والفاضل والمفضول والسائس والمسوس؟»؛

تو را چه کار ای معاویه [علیه اللعنة]، با شخصیت‌های فراتر یا فروتر و با سیاست‌گزار و مورد اجرای سیاست!

«وما للطلقاء وأبناء الطلقاء والتَّمییز بین المهاجرین الأوّلین و ترتیب درجاتهم و تعریف طبقاتهم»؛

آزاد شدگان و فرزندان آنان چه حقی دارند که میان مهاجرین رتبه اول و ترتیب درجات و تعریف طبقات آنان تمیز دهند و تفکیک کنند؟ هنگامی که پیامبر اسلام ﷺ در سال هشت هجری مکه را فتح کردند، معاویه (علیه اللعنة) و خاندان او از روی ترس و اجبار اسلام را پذیرفتند، و پیامبر ﷺ همه آنان را از اسارت سپاه اسلام آزاد فرمودند.

«هیئات لقد حنّ قدح لیس منها و طفق یحکم فیها من علیه الحکم لها»؛
[با این سخنان و داوری‌ها که به راه انداختن] تیری به صدا در آمد که از آن او نبود و کسی که خود محکوم است در صدد داوری بر آمد!
«إنّک لذهاب فی التّیه روّاع عن القصد»؛

و تو ای معاویه [علیه اللعنة] رهسپار گمراهی هستی و از راه مستقیم روی گردان.

«ألا تری - غیر مخبر لک و لکن بنعمة الله أحدث - أن قوماً استشهدوا فی سبیل الله من المهاجرین و لکلّ فضل»؛

من در صدد آن نیستم که خبری به تو بدهم بلکه می‌خواهم نعمت خداوندی را بازگو کنم. گروهی از مهاجرین و انصار در راه خداوند متعال به شهادت رسیدند و برای هر یک از آن شهدا امتیازی است.

«حتّی إذا استشهد شهیدنا قیل سیّد الشهداء و خصّه رسول الله ﷺ»

بسبعین تکبیره عند صلاته علیه «؛

تا آنگاه که شهیدی [بزرگوار] از ما شهید شد و ملقب به (سید الشهداء) گشت و رسول خداوند صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ او را به هفتاد تکبیر در موقع نماز بر جنازه او مخصوص گرداند.

«أولا ترى أن قوماً قطعت أيديهم في سبيل الله - ولكل فضل - حتى إذا فُعل بواحدنا ما فُعل بواحدهم قيل: الطيار في الجنة وذو الجناحين»؛

آیا ندیدی که دست‌های گروهی از آن شهدا و جهادگران در راه خدا بریده شد و برای هر یک از آنان فضیلتی است، [تا آن‌گاه که مرگ و جراحت در هر دو گروه متخاصم به وجود آمد] وقتی که دست‌های یکی از افراد خاندان ما [جعفر طیار] قطع شد، در باره او گفته شد که او پروازکننده در بهشت است و دارای دو بال.

«ولو لا ما نهى الله عنه من تزكية المرء نفسه لذكر ذاك فضائل جمّة تعرفها قلوب المؤمنین ولا تمجّها أذان السامعین»؛

و اگر خداوند از خود ستایی انسان نهی نکرده بود، گوینده، فضایل بزرگ و فراوانی را برمی‌شمرد که دل‌های مردم با ایمان آنها را می‌شناسد و گوش‌های شنوندگان آنها را طرد نمی‌کند.

«فدع عنك من مالت به الرميّة»؛

دست بردار از کسانی که از دنیا فریب خوردند.

«فإنّا صنایع ربّنا والناس بعد صنایع لنا»^(۱).

قطعی است که ما ساخته شده‌های پروردگارمان هستیم و شما ساخته شده‌های ما.

مردم ساخته دست امام علیه السلام:

بهتر است که در این فراز از فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام کمی تأمل نماییم.
صنایع لنا یعنی ساخته‌های ما (لنا) جار و مجرور است (ل) حرف جر می‌باشد و در لغت عرب دارای چند معنا است. ۱ - اختصاص ملکی: لباس من، ۲ - اختصاص اضافی: کلید خانه، ۳ - قسم، ۴ - زائد، ۵ - علت، برای بیان علت امری، ۶ - به جای حرف (عن).

در این عبارت برای (ل) سه احتمال اول با توجه به عبارت بی معنی است اما سه احتمال دیگر درست و معنی دار است که عبارتند از: زائد، علت و یا به معنای عن. بر اساس هر کدام از این سه احتمال، فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام به این معنا است که ما ساخته خدا هستیم و مردم ساخته دست ما می‌باشند. البته در بعضی از نسخه‌های قدیمی (ل) وجود ندارد و عبارت به صورت «والناس بعد صنایعنا» ذکر شده است که همین تأییدی برای گفتار ماست.

آری! حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: اگر ناپسند نبود و خداوند نهی نکرده بود، فضایل فراوانی از خودمان بر می‌شمردم که دل‌های مؤمنان با آن آشناست و در گوش شنوندگان خوش آواست.

جایگاه ائمه علیهم السلام در بیان امام باقر علیه السلام:

محمد ابن سنان رضی الله عنه از روایت معتبر شیعه می‌گوید: روزی محضر مبارک امام جواد علیه السلام شرفیاب شدم، و از اختلاف نظر شیعیان در رابطه با مسائل اعتقادی سؤال نمودم. امام علیه السلام در پاسخ فرمودند:

« یا محمد! إن الله لم یزل فرداً متفرداً فی وحدانیته »^(۱)؛

ای محمد! خداوند از ازل تا ابد یگانه و یکتا خواهد بود.

« ثم خلق محمداً وعلیاً وفاطمة فمكثوا ألف ألف دهر »^(۲)؛

سپس پیامبر [صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ] و علی [عَلِيٌّ] و فاطمه [عَلِيَّةٌ] را آفرید و یک میلیون دهر در نزد خداوند بودند.

برای بیان گذشت زمان در مادیات از کلمه (زمان) و در مجردات از کلمه (دهر) استفاده می‌شود^(۳).

از این بیان روشن می‌شود که ظرف خلقت حضرات معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، عالم مجردات است که برتر و وسیع‌تر از عالم مادیات می‌باشد.

« ثم خلق جميع الأشياء وأشهدهم خلقها »^(۴)؛

سپس اشیاء دیگر را آفرید و آنان را شاهد بر خلقت موجودات قرار داد.

خداوند متعال پس از آفریدن آن سه نور مقدس، با آرامش آسمانها و زمین را آفرید.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ﴾^(۵).

خداوند کسی است که آسمان و زمین و ما بین آنها را در شش روز آفرید.

امام جواد عَلَيْهِ السَّلَامُ ادامه می‌دهند:

۱- بحار الانوار مجلسی رَحِمَهُ اللهُ، جلد ۲۵ صفحه ۲۵.

۲- همان.

۳- القبسات محمد باقر الداماد رَحِمَهُ اللهُ، صفحه ۲.

۴- بحار الانوار، مجلسی رَحِمَهُ اللهُ، جلد ۲۵ صفحه ۲۵.

۵- سورة سجده، آیه ۴.

« وأجرى عليها طاعتهم وجعل فيهم منه ما شاء وفوض أمر الأشياء إليهم فهم قائمون مقامه »^(۱)؛

بر همه مخلوقات اطاعت از آنان را واجب فرمود و در میان آنان [آن سه نور]، قرار داد افرادی را که می خواست. امور خلقت را به آنان واگذار فرمود و آنان قائم مقام خداوند هستند.

« يحلّلون ما شاءوا ويحرّمون ما شاءوا ولا يفعلون إلا ما شاء الله »^(۲)؛

هر چه بخواهند را حلال یا حرام می کنند و کاری بجز خواست خدا انجام نمی دهند.

اراده ائمه اطهار عليهم السلام از اراده ذات اقدس ربوبی تخلف ناپذیر است و خداوند این مواهب را به کسانی عنایت می فرماید که اراده آنان عین اراده خودش باشد.

« فهذه الديانة التي من تقدّمها غرق ومن تأخّر عنها محق خذها يا محمد! فإتّها من مخزون العلم ومكنونه »^(۳).

دینداری همین است، هر که جلو بیفتد غرق می گردد و هر که عقب نابود می شود. ای محمد! آنچه به تو گفتم را بخاطر بسپار که از خزانه های پنهانی علوم است.

هر کس از این مرزی که امام عليه السلام بیان نموده اند تجاوز نماید، گمراه می گردد. اگر آنان را به مقام الوهیت برسانیم به سمت کفر و شرک حرکت کرده غرق خواهیم شد و اگر آنان را از مقام و جایگاهی که خداوند متعال برای آنان قرار داده است، پایین بیاوریم، نابود خواهیم شد.

۱- بحار الانوار، مجلسی رحمته الله، جلد ۲۵ صفحه ۲۵.

۲- همان.

۳- همان.

عدم درک مقام ائمه علیهم السلام :

کمتر کسی قادر به تحمّل و درک مقام و جایگاه واقعی ائمه علیهم السلام می باشد، و مقام و جایگاه واقعی آنان جز اسرار نظام آفرینش می باشد و ائمه علیهم السلام این اسرار را با هر کسی در میان نمی گذارده اند.

به عنوان نمونه، شخصی به خدمت حضرت سیدالشهدا علیه السلام آمد و از امام علیه السلام خواست مقامی که خداوند به او عطا نموده است را برایش بازگو فرماید.

امام علیه السلام به او فرمودند: تو تاب و تحمّل شنیدن آن را نداری. اما وی برخواسته اش اصرار ورزید. حضرت سید الشهدا علیه السلام به او پاسخی دادند اما:

« ابیض رأس الرجل ولحيته وأنسى الحديث ، فقال الحسين علیه السلام أدركته رحمة الله حيث أنسى الحديث »^(۱).

تمام موهای سر و صورت آن شخص سفید شد و گفتگو را فراموش نمود، امام حسین علیه السلام فرمودند: رحمت خداوند شامل حال وی شد که گفتگو را فراموش کرد.

احتمالاً اگر رحمت و تفضّل الهی شامل حال وی نمی شد، آن شخص قالب تهی می کرد.

انشاء الله خداوند توفیق درک شخصیت، عظمت و جلالت معصومین علیهم السلام را به همه ما کرامت فرماید.

« والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته »

۱- اثبات الهداة، حر عاملی رحمته الله علیه، جلد ۵ صفحه ۱۹۵.

به سوی معرفت ۱۰

۱۰

... این خبیث که از پیامبر ﷺ

اجازه می‌خواهد که سخنان یهودیان را بنویسد و از آن استفاده کند، به محض اینکه به خلافت رسید، سیاست ابوبکر (علیه ما علیه) در جلوگیری از نوشتن سنت و احادیث رسول خدا ﷺ را با شدت ادامه داد. خدا می‌داند در طول این سالهای طولانی چه ذخایر و گنجینه‌های گرانبهایی از رسول الله ﷺ در دست صحابه ماند و منتشر نشد و در سینه‌ها حبس و به خاک سپرده شد.

(صفحه ۷ از همین جزوه)

www.yasrebi.ir

پست الکترونیک: info@yasrebi.ir

محل برگزاری جلسات :

کاشان : حسینیه بیت حضرت آیت الله یثربی

تلفن : ۴۴۴۴۳۴۳ - ۴۴۴۵۲۷۷-۴۴۴۹۹۳۳ نمابر : ۴۴۴۹۹۳۳

به سوی معرفت ۱۰

۲